

اندیشه های مذهبی دورهٔ کوشانی

تا ظهور اسلام

تالیف: کاندید اکادمیسین عبدالغفور باهر

کابل - ۱۳۶۷

به مناسبت بزرگداشت میلادالنبی(ص) و برگزاری کنفرانس بین المللی اسلامی

مرکز تحقیقات علوم اسلامی
مدیریت عمومی نشرات

اندیشه های مذهبی

دورهٔ کوشانی

تاظهور اسلام



تالیف

کاندید اکادیمسین عبدالغفور باهر

کابل - ۱۳٦۷

ـ نام کتاب : اندیشه هـــای
مذهبی دوره کوشانی تاظهوراسلام

ـ تالیف : کاندید اکادیمسیـن
عبدا لغفور باهر

ـ ناشر : مرکز تحقیقا ت علوم
اسلامی

ـ اهتمام : شمس الحق فضلی
و شکریه

ـ تیراژ : دو هزار نسخه
ـ جای چاپ : مطبعه دولتی
ـ سال چاپ : ۱۳٦۷
ـ شماره مسلسل : (۸)

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم


PROPERTY OF ACKU 6667

یاداشت اداره

کشور عزیز ما افغانستان امروز و یا آریانای قدیم در بحبوحهٔ تاریخ موجودیت سیاسی خود را حفظ نموده و مردم این سر زمین بویژه دارای اندیشه های مذهبی و کلتوری خاص بوده و دوره های مختلفهٔ تاریخی را پیموده است.

باختر زمین و سایر نقاط آریانا بعد از پاشیده شدن حکومت اسکندر در حوالی سال (۲۵۰ ق م) از طرف روسای ملی و یونانی اداره میشد. و درین موقع (دلیودوت) حکمران باختر بود.

در زمان شاهان مستقل یونانی و باختری و کوشانی های بزرگ حیات اجتماعی و تهذیبی مردمان کشور ما انکشاف بسزای یافته و تا حوالی ظهور عهد (مسیح) علیه السلام دوام نمود.

این دوره از زمرهٔ دوره های است که مطالعه حیات اجتماعی و پهلوهای مختلف زندگانی تهذیبی مردم ما باوجود تاریکی های زیادی قابل توجه است. زیرا در این قرن مبادی تهذیب قدیم یعنی (ویدی) و (اوستایی) آریانا با مفکوره های جدید یونانی و هندی مخلوط شده و از اختلاط

این هردومفکو ره‌ها الغرض درزمینه‌دیانت ، صنعت ، معماری ، ادب، زبان و دیگر مظاهر زندگانی مادی‌و معنوی تحولاتی به عمل آمده است .

کیش وآیین مردمان باختر مهدظهور معتقدات قدیم آریایی بوده‌که تاریخ قدیم (ویدی) و (اوستایی) توسط هخا منشی ها به سایر اوطان مانند فارس یا ایران امروز برده‌شده است .

اولین شاه کوشانی (کجو لاکدفیزس) بوده و اغلباکوشانی‌ها لباس ساده می پوشیده و مردمان‌سخت گیرو جنگجو و سوار کار بوده اند کوشانیان درین موقع تحت نفوذ تهذیب باختری ها آمده و دومین خاندان سلطنتی کوشانیان‌خاندان (کنیشکا) میباشد .

کنیشکا پیرو دیانت بودایی بوده‌و در این آیین یعنی بودایی قدیم (بودا) معلم و استادی تصور میشده‌که بار تجارب خاصلهٔ خویش کتله بشری را به طرف راهی رهبری‌می‌کرده و غیر از او وجود پیغمبر وخدا در معتقدات شان راه نداشته است .

همچنان زمانیکه دیانت بودایی‌درافغانستان عزیز انتشار یافته بود پرستش و احترام ارباب انواع‌قدیم‌آریایی و ارباب انواع یونانی که که بعد از فتو هات اسکندر درخاک‌های شرق معروف شده بود مانند (اناهیتا) و (میترا) سوریا ـ اوش‌وهر کول وبعضی ارباب انواع هندی مانند (شیوا) و غیره هر کدام به‌نحوی پیروان و معابد های داشتند.

(بودیزم) وقتیکه از هند بر آمدوبه خاک آریانا نشر گردید صنعت گران باختری و گند هاری که بااصول مدارس هیکل تراشی یونانی ورزیده و قابلیت بسزای داشتندبرای اولین بار (بودا) را بشکل انسان جلوه دادند و برای داستان‌های او هیکل ها و تصا ویری را ایجاد کردند .

همین قسم خاك آریانا در فلسفه بودایی تاثیر مطلوب نموده بودکه کهعلت آن هم پرستش یك تعداد ارباب انواع مختلف میباشد. پادشاهان کوشانی عرف، عادات و عقاید مردم را بدرجهٔ نهائی مراعات و احترام می کرده اند.

در دوره کوشانی ها آئین بودایی از یك طرف و بقایای دیانت های قدیمی آریایی از قبیل پرستش (اناهیتا) متریا - آتش پرستی از بین نرفته بود و دیانت بودا پی درهمان موقع کسب عمومیت میکرد، بدینسان روحانیون و علما درعصر کوشانی ها ترقی زیاد نموده بودند روحانیون از نقطه نظر اقتدار و از پهلوی علم و تبحر به مراتب بلندی نایل شده علمای بودایی آریانا نسبت به همکاران هندی خود با نظر وسیع تر به فلسفهٔ ادیان می نگریستند.

چنانچه در دوره کوشانی ها درنیمهٔ شرقی آریانا هزار ها معابد بودایی آباد شده و طرف استفادهٔ مردم قرار داشت و به تناسب آن علما ورو حانیونی در ملك موجودبود.

کو شانی ها از خود رسم الخط جداگانه و ویژهٔ داشتند که در اثر اولین حفریات علمی که از طرف (موسیو هاکن) در سال ۱۹۳۰ در قدیمترین سموچ های مجاور شرقی بودایی (۳۵) متری به عمل آمد از نزدیکی استوپهٔ کوچکی نوشته‌های کشف شد که رسم الخط به خصوص آنها را ثابت میسازد. هم چنان صنعت (گریکو بودیك) رادر همین عصر سراغ میتوانیم بعد از سقوط کو شانی های بزرگ دراواسط قرن (۳) مسیحی کوشانی های کیداری اول در باختر و سپس در جنوب هندو کش و کابل زندگی پر تجملی رابه‌میان آوردند (کیدارا) موسس سلطنت کوشانی‌های خوردمیباشد.

اولین حملات اعراب در سر حدات غربی آریانا در نیمهٔ اول قرن (۷م) زمان حکمروایی کوشانیان خورد صورت گرفته و پرچم دیانت مقدس اسلام در همین زمان درکشور عزیز ما بر افراشته گردیده است .

به ارتباط رسالهٔ «اندیشه های مذهبی دوره کوشانی تا ظهور اسلام» مرکز تحقیقات علوم اسلامی مروری آنی را برسیر تاریخ تهذیبی دوره کوشانیان طور خلاصه تسوید و به مناسبت بر گذاری روز میلاد پیامبر بر حق اسلام که بتاریخ اول عقرب سال ۱۳٦۷ تجلیل میگردد. نشر رساله «اندیشه‌های مذهبی ...» تالیف محترم اکادمیسین عبدالغفور «باهر» را که به مفاخر تاریخی وطن عزیز مان روشنی انداخته و مبادی تهذیبی کشور را برای نسل جوان بر شمرده قابل تمجید دانسته پیروزی‌های بیشتر ایشان را آرزو مندیم.

و من الله التوفیق

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

مقدمه

جامعه انسانی تنها عبــارت ازتعدادی از مردم نمی باشدکه‌دریك ساحه معین از زمین بسر بردنــدبلکه جامعه انسانی‌عبارت ازجامعه‌ای است که دارای اهداف مشخص‌بوده‌و عــلاوه بر وحدت محیط و محــل زیست ازو حدت هدف‌نیز برخور دار بوده اند ، انسا نهای ابتدا یی صرف مجموعهٔ از مردم با اهــداف‌متشتت و پرا گنده بوده و روابط میان شان طوری مستحکم نبو دکه‌یك جامعهٔ هدفمند را تشکیل دهند و دارای اهدف و ارمان مشتــرك باشند، بلکه هریك از آنها سعــی و تــلاش مینمود که چگونه حیات‌به‌سربرد ، چگونه بنوشد و بخوردو بخوابد . تا بالاخره بر هدفی‌اجتماع نمودندو جامعه ای‌از جوامع انسانی را که دارای اهداف و امیال مشترك‌بود تشکیل دادند .

هدف اجتماع انسانی بالا تر ازانگیزه ها و امیال افراد میبا شد که به مصلحت تمام جامعه ارتبــــاطمستحکم پیدا میکند طور مثال د ر جامعه ای استقرار سلطه و قدر ت‌هدف میباشد و در جامعهٔ دیگــر آزادی از سلطه و نفوذ دیگران وهریك در این هدف خودش مبــا رزه مینمایند .

و هر کدام به منظور بــــدست‌آوردن آرزو های خود سعــی و تــلاش مینمایند تا هدفی را که مدنظر دارد بدست آرد ، البته افغا ـ نستان تاریخی سر زمینی است که‌از دوره های ما قبل تاریخ و بعداز

آن تا کنون مصدر مدنیتها ،گذرگاه‌فرهنگ علوم معارف و پرور شگاه فکر و اندیشه های دینی ، مذ هبی واخلاقی بوده ، دولت‌ها ، حکومات، رجال سیاسی ، دینی و مذهبـــی‌مقتدر و پر توان در درازنای تاریخ از این سر زمین زیبا و تاریخی وفرهنگ خیز و دانش بر خاسته و مردم باشهامت ، شجـــاع وآزادی‌خواه ،وطن دوست و صلحدو ست همواره آزادی و خصو صیات ملـی‌خود را در طول مجادلات و مبارزات سیاسی ، تاریخی ، فکری ، دینی ومذهبی حفظ و برجسته نگا هداشته اند که اینك این رسالهٔ کوچك وموجز به خصو ص خصو صیات و اندیشه های دینی و مذهبی را قبل‌از میـلادو در دوره کوشا نیان تا ظهور اسـلام در افغا نستان بــه‌صورت خیلی مختصر ، واضـح و روشن میسازد.

در این رساله به‌طور کلی‌اندیشه‌های مذهبی مهم که قبل از میـلاد در افغا نستان موجود بود ، سیر وحرکت تاریخی این اندیشه هـــای مذهبی بعد از میـلاد باذکر طـــرزاندیشه هر صاحب مذهب به‌خصو-ص برخورد با این اندیشه هـا دردوره کوشا نیها بحث شده است، زیرا این مذاهب و اندیشه ها بـاپیروان خود در حال عروج و نزول ازقرنی‌به قرنی‌واز دوره‌ای‌به‌دوره‌یی سیر نموده‌وادامه‌پیدا کرده‌است‌وبه وسیله پیروان خود که آنها به هرنقطه وساحه رسیده اند این‌اندیشه ها را انتشار داده اند . بنا به یـك‌دوره خاص اختصاص کلی داده‌شده نمی تواند صرف طرز برخورد دوره‌کوشا نیان با این اندیشه هاواضح شده میتواند .

بنا در این رساله از مذهـــب‌اخـلاقی در شرق دور و شرق‌میانه باختصار بحث شده است و هم ازاندیشه های مذهبی زردشتی ،یو-نانی ، یودایی تا نشر و ظهـــوراسـلام در افغا نستان با نتیجه و خاتمه به صورت ایجاز بحث شده‌وماخذ های درین زمینه ذکر شـــده است ، امید است خوانده گـــان‌گرامی از آن استفاده‌نموده بتوانند.

(کا ند ید اکاد یمسین عبد ا لغفور با هر)

اندیشه‌های مذهبی دورهٔ کوشانی تا ظهور اسلام

پیش از نزول قرآن کریم بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه‌وسلم و پیش از میلاد مسیح آنگاه که هنوز افکار ، نظرات و اندیشه های انسانی به مطالعه و بررسی علمی‌نظام طبیعت و ماورای طبیعت‌بسیج نشده بود در شرق دو مذهب اخلاقی متمایز وجود داشت :

مذهب اخلاقی در شرق دور
مذهب اخلاقی در شرق میانه

مذهب اخلاقی در شرق دور :

سلوك وروش اخلاقی شرق‌دور، بر محور مکان‌و زمان می چرخید. که هدف و مقصود آن کمال نوعی‌برای‌بشر بود . پیروان این مذهب به این عقیده فکر و اندیشه بودند که‌زمان مانند مکان دایروی است که‌به دور خود میچرخد و به نقطه یی می‌انجامد که از آنجا دور خود راآغاز کرده است ، این چرخش میتواند که به نسبت روز ، ماه ، سال ، قرن و یاحصه یی از آن‌باشد. عمرانسان نیز به مثابهٔ دوره‌ای است‌که

از نقطه ای آغاز شده به همان نقطه منتهی میشود و دو باره از هما ن نقطه آغاز مینماید یا قوس صعودی و یا نزولی را پیموده و بعد بهمان نقطه یی می انجامد که از آنجا آغاز نموده است . به عبارت دیگر اگـر انسان حقوق ، وجایب و مکلفیـت های اخـلاقی خو را بوجه احسن ادا نماید ، حق دار که در سیر حلقـهٔ دوره دوم به درجه اعلی ارتقا نماید والابه حلقه و درجه ادنی نزول می نماید تا اینکه دورهٔ خود را تکمیل نماید و به مقام عالی مادی برسد .این مذهب و مسلك اساس تناسخ در شرق دور بود .

درین مذهب افکار و اندیشـــــهٔ ماورای طبیعت و یا دو باره زنده شدن نبود تا بر آن مسایل سوال و جواب ، ثواب و جزا مرتب می شد.

مذهب اخلاقی در شر ق میا نه :

مذهب اخـلاقی در شرق میانه ازبلخ ریانا افغا نستان آنوقت ، آغاز تا ممفیس ، مصر رایج بود .این فکر و اندیشه یی مذهبی ، ادبی موازی با نظام طبیعی بو د کـــــــه از عالم طبیعت به ماورای طبیعـت معتقد بود . هدف آن کمال نوعی وروحی انسان بود که به راهنما یی ضمیر به حق ، خیر ازلی و ابـدی سیر می کرد. این فکر و اندیشه یی مذهبی معتقد به باز زنده شدن پس از مرگ وبه حساب و کتاب بهشت و دوزخ بود . (۱)

البته بعد از خاندان (باردانــا)خاندانی بنام کاوه یا کیانیها کــه معنی حکما است زمام حکومت رادرافغا نستان آنوقت بدست گرفتند و چند قرن حکومت کردند و هم پیش ازینکه مردم آریایی نژاد به هنـد هجرت نمایند و با مردم اصلی هند بیامیزند در شمال افغا نستان در بلخ دارای کتاب و یدا که تا حـال نزد شان است بودند .ا ین کتاب

۱ــ اضواء : علی میادین الفلسفه اللغه والفن والادب ،اثر صلاح الدین سلجوقی .

علاوه ز اینکه اندیشه های مذهبی دارد ، دارای معلو مات جغرا فیایی در باره افغا نستان که در آنوقت به آریانا موسوم بود میباشد .

و این مردم قبل از آنکه از وادی سند به وادیهای وسیع هند شمال هجرت کنند و مدنیتی را در آنسرزمین تشکیل دهند ، در بلخ زندگی میکردند و بعد از هجرت از بلخ افکار ، نظر ات و اندیشه های مذهبی و فلسفی خود را به سایر کشور ها و سر زمین ها انتقال دادند .

تعالیم این دیانت با اختلاف نظر مور خین در حدود قرن پا نزدهم ویا دوازده قبل از میلاد در کتاب ویدا گرد آوری شده و پیروان این اندیشهٔ مذهبی به تعدد خدا یان معتقد بوده و هم به باز زنده شدن اذعان دارند . این دیانت به تقسیم مردم به طبقات مختلف معتقد بود. عالی ترین این طبقه بر همینه می باشد واین عقیده بعدا به اندیشه مذهبی بر همان تعدیل شد .

در دین بر همنان مسله تثلیث بیش تر از سایر ادیان جا داشته به حلول و وحدت الوجود مایل است و بر هما خود را درسه شخص یا مظهر تجلی داده است اولی برهما یا بر همن است که قوهٔ خلاقه یا عقل کل را تمثیل میکند . شخص و یا تجلی دوم برهما عبارت است از ویشنو که قوهٔ زندگی ، برکت و شادی را تمثیل میکند ، وشخص سوم بر همنی شیوا نامیده میشود که قوهٔ محو کنندهٔ و زندگی بخشندهٔ بـر هما را تمثیل میکند که شاره به صفت ، قها ریت و رحمانیت خدای یگانه است ، این سه شخص و یـا تجلی را تر یمورتی یا مظاهر سه گانه می نامند .

و در عین حال تعالیم این دیانت و اندیشه مذ هبی به تناسخ قایل است : ۱ـ۲ـ ۳ .

که در کشور هند در حوالی قرن نهم و یا قرن هشتم قبل از میلاد به میان آمد .

این مطالب در چهار کتاب قدیم ویدا در حدود ۱٤۰۰ ق.م منعکس است ریگو یدا کتا ب بر هنما نکه بین ۱۵۰۰ ق.م تا دو هزار و پنجصد سال ق.م درافغا نستان سروده شده باز در هند وستان تکمیل گردیده است با سرود های ویدی ، دورهٔ تاریخی مردم اریـن آغا ز شد . (٤)

در کتب ویدی دیده میشود که سازمان زعمداری از اوایل مهاجرت در بین ایشان موجود بود و ارباب انواع مختلف را می پرستیدند . چون وارو نارب النوع آسمان ،اندرارب النوع جنگ ،سور یارب النوع مهر ، ماروت ـ ر ب النوع یا دو بنام هر یك قربانی هاداشتند ودانشمندان دین خود را ریشی یاد مـی کردند .(۵)

۱ـ اصول اسا سی روان شنا سی . انسان و ماهیت و تکامل او، تالیف حسین کاظم زاده طبع سپهر ناصر خسرو .

۲ـ یاد داشت ها در باره تاریخ فلسفه ، یوسف کرم و ابراهیم سلام مذکور ، ص ۱۹ .

۳ـ فی الفلسفه الاسلامیه وصلا تها با لفلسفه الیو نیایته ، تالیف دکتور محمد سید نعیم و دکتـور عوض الله جاد حجازی طبع قاهره.

نظام طبقاتی این دیانت در چهار ردیف خـ لاصه میشود :

۱ـ کاهن ، روحانی و رجال دین.

۲ ـ اقوای مسلح .

۳ـ تجار و دهاقین .

٤ـ اهل حرفه و کسبه کار و کارکنان و پرسونل خدماتی .

۱ـ چهار و ید عبار تست از ریگ وید ، سام وید ، اتهرو وید و یجوروید که قدیمترین همه ریگ وید است .

۵ـ تاریخ مختصر افغانستا ن اثر پوهاند حبیبی ، س ۱۳٤٦ .

اندیشه های مذهبی زردشت :

سپنتمان یا زردشت موسس دیانت و مذهب زردشتی در احوالی قرن هشتم و یا ششم قبل از میلاد مسیح علیه السلام در بلخ بدنیا آمد .(۱)

زردشت معتقد به ثنویت خیر و شیر بود ،مردم افغانستان آریانای آنوقت این دین و مذهب را پذیرفتند . اندیشه های مذهبی زردشت در میان عرب به مجوسیت وآتش پرستی مشهور است ، زردشت دارای کتابی بنام اویستا بود که درآن اُفکار ، نظرات و اندیشه های مذهبی و انسانی وی درج شده بود.

دیانت مذهبی ، افکار ونظرات او نیز به اثر مهاجرت ها و تاخت و تاز ها رفت و آمد ها به سایر نقاط جهان آنوقت انتشار یافت (۲).

سرود های زردشت به شکل شفاهی حفظ میگردید ، سردو های زردشت به شکل اندیشه های مذهبی زردشت بر مبنای خیر و شر استوار بود به بهشت ، دوزخ ، میزان ، حساب و جهان آخرت نیز معتقد بود ،زردشت بر ضد ظلم ، اجحاف و بی عدالتی

۱ـ فی الفلسفه الاسلا میته و صلا تها با لفلسفة الیو نیانیة

۲ـ زمان زند گانی وی بهمو جب روایات کتب زردشتی معلوم میشود که در حدود ٦٦٠ سال ق،م بدنیا آمده در سن بیست سالگی منزوی گردیده و در سن ۳۰ سالگی یعنی ٦۳۰ ق،م مدعی رهنما یی شد .در سن ٤۲ سالگی یعنی ٦۱۸ ق،م کشتا سپ باو گروید و در سنه ۸۳ ق،م بسن هفتاد و هفت سالگی هنگام هجوم ارجاسپ تورانی در آتشکده بلغ بدست برا ترکرش تورانی کشته شد .

مبارزه میکرد در تعا لیم زردشتی در باره تامین حقو ق مردم و عدالت اجتماعی سعی میشد.(۱)

از حقوق دهقا نان که اکثر یت قاطع جامعهٔ آنوقت را تشکیل میداد طر فداری میشد . پر ارزش ترین دساتیر زردشت در کتاب او یستا درین کلمات خلاصه شده است .

پندار نیک ، گفتار نیک ، کردار نیک

درعین حا ل زرد شت یك رهبر روحانی بود ولی مانند کشیش های آنوقت اروپا، ثقافت پیشرفت ارتقا، عدالت، مساوات و سیر تکامل

۱در مد نیت دو م آریا یی افغا نستان و صفحات شمال هندوکش که در حدود ۱۲۰۰ ق ،م در بلخ قایم شده بود و در کتاب اوستا از آن ذکر شده است ، نخستین زما مدار آن یما نا م دا شت که وی بلخ را اعمار کرد . در آنوقت مردم افغا نستان دین معینی داشتند که دارای قوانین اجتما عی- اقتصادی- مدنی هدایات و راهنما یی های روحی مشخص بود ، که موسس آن مزده یسنه مزدیستا (ستایش خدا) زره شو ستره (زردشت) نام داشت که مردم را به تمدن شهر نشینی، زراعت و مبارزه بر ضد شرو ستم رهنمویی میکرد .

که این مطالب و اندیشه های مذهبی ، فکری و انسانی آن در کتاب وی اویستا نیز ذکرشده است.

پدر زردشت پورو شاسپه و مادرش دوغدو وجد پدریش پتیر - گراسپه نام داشت .

- تاریخ مختصر افغا نستان ، تالیف پوهاند حبیبی .
- افغا نستان در مسیر تاریخ ، تالیف میر غلام محمد غبار .

بشری را تنها در قاموس جغرافیای جها ن اخر ت جستجو نمی کرد.(۱)
زردشت مانند کشیش های آنوقت اروپایی ، تنها منهمك در بحث جهان اخرت و تشریح اینکه چگونه مردم می میرند و با تنها در جهان دیگر چگونه عمل میشود ، نبود، بلکه علاوه بر اینکه مردم را باثر اندیشه های منهبی خود به جهان آخرت و باز پرس متوجه میساخت، با افکار و نظرات مذهبی خود مردم رادرین جهان به پیشرفت ، ارتقاء عدالت اجتماعي ، مساوات ،راستی، کار عملا دعوت مینمود . راه های را جستجو میکرد که ، چطور مردم از هر دو جهان استفاده نمایند از عزلت، تنبلی ، دروغ ، بیکاری ،به سعی و تلاش دسته جمعی ،راستی،

۱ـ زردشت گفته است . از تومی پرسم ای آهو را چه چیزاست سزای آن کسیکه از برای سلطنت بد گنشی و دروغ پرستی در کار و کوشش است که جزاز ازارکردن به ستوران و کارگران ، دهقان کار، کار دیگری از او ساخته نمیشودهر چند که از دهقان آزار به او نمی رسد هیچیك از شما نباید که به سخنان و حکم دروغ پرست گوش دهد ، زیرا که او خان و مان وشهروده را دچار احتیاج و فساد سازد. پس با سلاح آنرا از خود تان برانید .

خشم باید باز داشته شود . درمقابل ستم از خود مدافعه کنید ای کسانیکه پاداش پاك منشان را به توسط راستی خواستارید ، ازهمان راستی که مرد مقدس از دوستان اوست آرامگاه او در سرای تو خواهد بود ا ی آهو را .

جهت عمران جامعه مرفهٔ مترقی، که‌در آن پرتو حق خیرو فضلیت بدر خشد، رهنمایی نماید . که مفهوم این مطالب در اندیشه های وی در کتاب اویستا مشهوداست، باتعالیم اسلام شبا هت دارد ، ازاین اندیشه و افکار وی اروپا و یونان‌آنوقت استفاده نمودند وآنراآهسته آهسته ، تحت نظم علمی و فلسفی‌در آوردند ، که این دیانت درمابعد بر بعضی از فرق اسلا می اثـر انداخت احترام بشار بن‌بردو ابن مقفع به آتش ازین تاثیر مجزانبود (دکتور غـلا ب ۲.۸ فلسلفه شرقی)

اندیشه های مذهبی یونان :

اندیشه و افکار مذهبی یونان به‌افغا نستان توسط اسکندر و رئیس اکادمی علوم اوگلستاتس ،فیلسوف‌و مورخ،پسر خواهر ارسطوسرایت کرد . درین وقت تقسیم مناطـق‌بر حسب ستاره ها و کوکب آغاز شد. چون افغا نستان بـر اساس‌نجوم به افتاب ارتباط داشت بـه خراسان یاسر زمین خورشیدمسمی‌شـد.

افکار و نظرات و اندیشه‌هـای‌مذهبی یو نان متمر کز بـه ماوراء طبیعت نبود خدا یـان وارباب النواع مختلف داشتند که دارای صفـات ، عادات و اخلاق‌انسانی بودند که گاهی بر مشکلات وشداید غلبه حا صل مینمودنـد وگاهی شکست میخورد ند.بنا برین بر پیروان خود قدرت‌و توانایی‌قاطع نداشتند . پیروان شان‌میتوا نستند از این اندیشه های مذهبی عـدول‌نمایند . و بدون مقید شدن به‌افکار مذهبی بگرایند ، و از تقلید محض‌منصرف شوند .

بعضی دانشمندان و فـلا سفه آنها به تحقیقات علمی می پرداختند و نظرات موافق با تقالید مذهبـی‌نشان نمی دادند . مانند سقراط ، افـلا طون ، ارسطو و امثالهم (۱) که درین راه شکنجه ها تبعیدوحتی مرگ را متقبل میشدند..

۱ـحریة الفکروابطالها فی‌التاریخ تالیف سـلامه موسی چاپ‌بیروت.

همچنان از اشعار یونان قدیم وبه خصوص اشعار هو میروس (Homeres) که ملقب به پدر شعرای یونان در غرب است هویدا است که یونیها خدای هم برای عدل داشتند که به تیمس (Themis) مسمی بود که با اساس الهامی که از طرف وی به قضات ، روسای قبایل و یا زمامداران میشد طبق آن در قضایای که نزد شان ارائه میشد حکم می کردند و برین احکام الهام شده ، اسم تیمس میگذاشتند که به رب النوع عدل ، تیمس منسوب بود : (۱) .

بنا برین دین و اندیشه های مذهبی و فکری اکثریت قاطع مردم یونان از قلهٔ کوه اولمپس بلند نمی‌شد . یعنی اکثریت قاطع شان در ماوری طبیعت نمی اندیشیدند(۲).

عقیده بودایی :

وقتی ستارهٔ پیشینهٔ ادیان ، کیانیاو آسپه ها در افغانستان افول کرد اندیشه بودایی در جنوب آریانا حلول کردو میان دو مذهب مجادلات ادبی آغاز شد .

چون حکام افغانستان مذهب بودایی را پذیرفتند مذهب بودایی غلبه حاصل نمود مگر مردم بعقیده، افکار و اندیشه های مذهبی سابق خود تمایل داشتند .

چندرا گپتامور یا در ۳۲٤ ق.م نظرات ، افکار، عقایدو اندیشه‌های مذهبی بودایی را، بوسیله مبلغین بودایی در افغانستان رایج ساخت. آمدن سکندر به افغانستان ودوام زمامداری باز ماندگان شان بعد از

۱ـ اصول تاریخ القانون، تالیف دکتور عمر ممدوح مصطفی ۱۹٥٤ ، مطابع البصیر بالا سکندریه .

۲ـ اضواء : علی میا ین الفلسفه والعلم واللغه والفن والادب تالیف صلاح الدین سلجوقی طبع شرکة اعلانات شرقی ۱۹٦۲م .

مرگ او،در باختر، نفوذ ،فرهنگ،هنر ، عقاید و اندیشه های یونانی را در اینجا باقی گذاشت،این افکارو نظرات ، فرهنگ و پدیده های یونانی که با فرهنگ، عقاید واند یشه های اصیل افغانستان آمیخته شده بود با عقاید و اندیشه های دیگر بر خوردندکه ظهور زمامداری موریا در هند بود .

اگر چه از نظر سیا سی ، سلطهٔ موریا در قسمت های شرقی آریانا افغانستان آنوقت دوام زیــادی نداشت و در ینجا حکومت مستقل یونان باختری تاسیس شد ، مگر در همین زمان کوتاه زما مدا ران موریا و مبلغان آن ، دین بودایی رادر شرق آریانا انتشار دادند کـه بالاثر سه عنصر مهم بیکدیگــرآمیخت که بنام گریکو بود یــك باکتریان در تاریخ فرهنگ افـغا نستان مشهور است .

هنر ، فرهنگ دیانت بودایی‌هزارسال تا نفوذ اسـلام درافغانستان باقی ماند که عناصر مهـم آن‌درتاریخ مختصر افغا نستان اثــر پوهاند حبیبی‌چنین ذکرشده است.

۱ـ عناصر فر هنگی ، هنری وعقیده‌ای باختر یا داخلی خود ایـن سر زمین .

۲ـ صنعت و عقیده و فکر یونانی‌که با اسکندر در حدود ۳۳۰ق،م آغاز یافته بود .

۳ـ هنر ، فرهنگ ودین‌بودایی‌باآثاری هندی خود ، که با سلطـهٔ موریا یکجا آمد، (۱).

۱ـ موسس زما مداری موریا درهند چندرا گوپتا رسند رو کتـس یونانی است که منسوب بیکی از شهزاده بانوهای‌خا ندان شاهی‌ننده که میوره (طاوس) نام داشت و اوازطبقهٔ کشتر یا ن و طا یفهٔرا جپوتـو شهزاده گان بود که در سال ۳۲٤ق،م به زمامداری رسید و در ۳۰۰ ق،م وفات یافت .

تاریخ مختصر افغا نستان اثــر پوهاند حبیبی ، ٤٥ .

مردم افغانستان با وجود بقایای عقاید کهن ویدی ،وبرهمنی قدیم که در شمال و غرب کشورداشتندباثر فعالیت آشوکا در نشر دین بودایی مدت هزار سال این دیانت نیز درشرق و شمال کشوررایج بود.که از نظر فکری و فرهنگی واندیشه‌های مذهبی تاثیرات عمیق وژرفی را در زندگانی مردم این سر زمین گذاشت .

موسس دین بودایی بودافیلسوف هندی شهزادهٔ از قبیله ساکیا یا سکیا که به زاهد او یا دانشمند طایفه ساکیا معروفست به روایات مختلف تاریخ در حوالی قرن ششم و یا ۳۰ ق،م در شهر (کپی لاوا ستونیپال) که در زیرنفوذ زمامداری پدر وی بود بدنیا آمد .

و بنام های (سیدرا تاگو ناما) و(سکیا موتی) که به صفت دانشمند فیلسوف و زاهد قبیله وطایفه‌سکیا یاساکیا معروفست .

بودا به یك روایت که سن وی‌ازبیست سال تجاوز کرده بود و بروایت تاریخ مختصر افغانستان‌به ۲۹ سالگی‌رسید حیات خانوادگی را ترك داد و به گوشه گیری، تفکر و مجالس علم بر همنان وزهد و تقوی گرائید ، پنج یا شش سال‌بکلی از مردم دوری جست ، بعداز آن در میان مردم نمایان شد واعلان‌کرد که او بودا یعنی فیلسوف و حکیم گشته و به درجه علم اعلی‌رسیده است و این مطلب برایش الهام شده است . (۱)

بودا به تبلیغ دین خود پرداخت‌امرا و زمامداران هند را به دیانت، عقیده و اندیشه مذهبی خود دعوت‌کرد ، بعد ازینکه اکثر مردم هندبه

۱- فی الفلسفة الاسلامیه وصلاتها بالفلسفة الیونانیة .
تالیف دکتور محمد السید نعیم‌ودکتور عوض الله جاد حجازی .

اندیشه های مذهبی و فکری اوگرائیدند بمعر (۸۰) سالگی درسال ٤۸۳ ق،م در کوچی نگره وفات‌نمود(۱).

دیانت بودایی یا نفوذ سلطهٔآشوکا ، که به قدرت رسید ازجنوب هندو کش تاقند هار انتشا ریافت،جرگه بزرگ سوم اپین بودایی به قیادت آشوکا و ریاست عالم بزرگ‌بودایی ، موگالی پوتاتیسا ، دایر گشت ، که در آن علاوه بر ترتیب‌و تدوین دسا تیر مذهبی تصمیم گرفته شد که یك تعداد از مبلغان‌بودایی به کشور های دیگر آنوقت فرستاده شبوند (۲).

بودا در مسایل فلسفی زیادنپیچیده بود مگر پیروا نش بیانات اندیشه ها ، افکار و عقاید مذهبی‌او را تنظیم کردند که به تدریج به دو مذهب تقسیم شد .

۱— مهاپانه ، مذهب بزرگ که‌درشمال هند ، تبت ، چین و تا جاپان انتشار یافت .

۱— بعد از وفات بودا سه نفرطرفداران وی که در دین بودایی معلومات کامل داشتند وآنها عبارت‌بودند از آنانده یوپالی ، کاسیابه، سخنان بودا را جمع و از آن‌مجموعهٔاز دستور های بودایی را بنام Triptaka (سه سید گل)تدوین نمودند . تاریخ مختصر افغا نستان تالیف عبد الحی حبیبی.

۲— آشوکا در سال ١٤ زما مداری‌خود ۲٥٦ ق،م در فرمان سنگی نمبر ۱۳ خود که نقر کرده است ازآن واضح میشود که چند نفر ملبغ بودایی را بنام های مجهان تیکه ،مدهیان تیکه ، دهه مراکیه نه، مهار کهینه به گندهاره و صفحات‌شرقی آریانا فرستا ده‌اند این مبلغان که دو تا (Douta) نام‌داشتند در حدود ۲٥۸ ق،م مشغول تبلیغ دین بودایی بودند .

تاریخ مختصر افغا نستان اثر پوهاند حبیبی .

پیروان این مذهب به این عقیده‌اند که هر فرد جزیی از کل انسان است و همین انسان جزوی از کل بزرگ تر است که تحت قانون دهرمه (کیش) و عمل آمده است پس شخصی که بخواهد از شر نجات یابد از دیگران جدا نشود سعی و تلاش دسته جمعی باشد نه فردی که این جدو جهد ، انسان را به مقام بودی ستوه Bodhisttva میرساند ، که حالت دانشمندانه زندگی است ، که خدمت کردن به مردم است . بنا انسان دو هدف دارد :

۱ـ تحصیل دانش .

۲ـ خدمت و مهربانی به غیر ازخود .

از این فلسفه واندیشه فکری ومذهبی در می یابیم که بودا درذات خود دارای روش و اندیشه یی بودکه باید عدالت ، مسا وات ازمحدودیت براید ودر خدمت عموم مر دم قرار گیرد .

مذهب دوم ، هینه یانه یا مذهب کو چک یاد میشود ، این اندیشه یی مذهبی بودا ،بیشتردر هند جنوبی پیروان دارد و بر سعی فردی متکی است ، دراین زمینه کتاب های بزبان پالی نوشته شده است .

مگر کتب و اندیشه های مذ هب بزرگ بودا بزبان سانسکر یت می باشد .

بعد از آغاز میلاد در شهرهای افغا نستان پیروان هر دو مذهب زیست میکردند و در معابد بودایی مربوطه ،به عبادت می پرداختند ،

بودا در تعالیم خود نظام طبقا تی را که در دین بر هما نی وجود دا شت مرد اود شمر دوتوضیح کرد که مردم با هم در حقوق و وجایب مساوی اند ومردم را به برادری ، مسا وات ، رحمت ، ترحم بر ضعیفان و صلح و دوستی دعوت کرد .

بودا اندیشه های فکری مذ هبی و فلسفی خود را بر هفت اصل استوار ساخت .

عقیده پاك ، اراده پاك ، رفتارپاك، روزی پــــــاك ، کو ششپاك، سخن پاك ، تو جه پا ك .

و عــلاوه کرده است که هر که بر این هفت اصل عمل کرد، ازقیود منزه میشود ، و فکر او به نقطه‌یی که رهایی کامل از قید خوا هشات است متمر کز میشود ، انگاه چهارمقام دیگر را طی می نماید .

۱ـ سعی درجهت دانستن راستی.

۲ـ تفکر برای دریافت حقایق .

۳ـ تفکر عمیق و سکون .

ـ سکون و توازن کامل که (نروانه) فنا نامیده میشود .که اندیشه های مذهبی و فکری این دیانت بر بعضی متصو فین و فلاسفه اسـلام مانند متصوف صلاح و محی الدین عربی و هم بر فارابی ، غزالی و غیـــره نیز تاثیر انداخت . (۱)

فوشه محقق فرانسوی در علـــل و موجبات نشر اندیشه های فکری و مذهبی بودا مینویسد :

مردم شرق آریانا که با تجـاوزمهاجمان روبرو بودند بعد ازلشکر کشی های هخا منشی اسکندریه وچندرا گوپتا این دین را که از خون ریزی بیزار بود و راه و رسم ازخودگذشتگی ، صلح آرامش وخوش ـ بینی را سفارش میکرد با طرزتفکرخود موافق یافته مردم دهقان وکار ـ گرانرا به سهولت پذیرفتند .(۲)

۱ـ مدینهٔ فاضله اثر فارابی ،میزان عمل و احیا العلوم تا لیـف امام غزالی

۲ـ تاریخ مختصر افغا نستا ن تالیف پوهاند حبیبی .

کوشانیان

در حدود ۱٦۵ ق،م قبایلی که باساکه ها وسیتي های آریایی هم نژاد و از نژاد آریایی شمال شرق، محسوب میشدند ، به نام یوچی یاد میشدند .در باختر سکونت اختیار کردند .
بین آنها و تخار ها ، آمیزش بمیان آمد که قبیله معروف کوشان یکی از قبایل این مردم بود . نخستین زمامدار این طایفه کد فیزس بود . Kajuqa Kara Kadphises که درمدت زمامداري خود توانست تا نفوذ خود را بر تمام خاك آریانا قایم سازد . و اساس کشور بزرگ افغانستان را بگذارد ،او بعمر (۸۰) سالگی در حدود (۷۸) بعد از ۳۸ سال زمامداری وفات یافت بعداز وی پسر ش یما کد فیزس زمامدار حکومت شد ، سپس زمامداری کوشانیان بزرگ در حدود (۱۲۵) م یا ۱۲۰ م به کنشکاه رسید ، که مرکز وی در زمستان پشاور و در تابستان بگرام کاپیسا بود وبین ۱۲۵ یا ۱۲۰ و ۱٦۰ حکومت کرد.
کنیشکا دین بودایی را پذیرفت و طبق آشوکا به نشر و تبلیغ آن سعی نمود .جرگه بزرگ دین بودایی را مشتمل بر (۵۰۰) نفر عالم مذهبی در سرینگر کشمیر برای رفع اختلافات که در طبقات روحانی مربوط به این آئین ومسلك رخداده بود تشکیل نمود. درین

جرگه دینی که به شمول علما ودانشمندان مذهبی کند هار علما
و دانشمندان دربارکنیشکا بریاست رهبر روحانی هفتم بودایی و اسو-
متره (Vasumtra)عالم مذهبی کند هاری تشکیل شده بود
چنین تصمیم اتخاذ شد که مذهب قدیم هینه یانه (Hina-Yana
مذهب کوچك را که بعد از وفات بودا مدت پنج قرن معمول بود،
مورد تعدیل و تجدید نظر قراردهند . این مذهب که تقوی ساده و
تهذیب نفس را سفارش مینمود به مذهب جدید مهایانه Maha-Yama
تعدیل یافت که از طرف روحانی بنام ناگار جونه Nagarjuna
رتیب شده بود . در مذهب کبیر بودایی که در مابعد در آریانای
شرقی هم رواج یافت بجای دساتیر ساده اخلاقی مذهب کوچك ،چنین
تلقین میشد ، که شخص بایست به مقام بودایی آینده روشن شده بود
بستوه (Badhisattva)ارتقا نماید و هم باید بجای نمایش پای
علایم دیگر بودا، مجسمه های تمام و کامل او را مانند ارباب النواع
دیگر آریانا که در صنعت یونان و باختری رواج داشت بپرستند و
زبان سانسکریت را به جای زبان پالی جنوب هند
زبان مذهبی قرار دهند . بنابرین مذهب کوچك قدیم مذهب جنوبی و
مهایانه مذهب شمالی شمرده میشود .

هنگامیکه کنیشکا دیانت بودایی را پذیرفت . بر مسکوکات خود که
قبلا ارباب النواع دیگر آریانا رانقش میکرد صورت کامل بودا را
منقوش نمود . و با ینصورت طرفداران مذهب بزرگ توانستند خود
را از مذهب کوچك جدا ساخته عقاید و دساتیر زندگی در عالم بودائیست
را انتشار دهند و اندیشه مذهبی خود را تفسیر نمایند .

در عصر کوشانیان دروقت زمامداری کنیشکا :
علما ، دانشمندان علوم ،و ادبیات **علما ، دانشمندان علوم ، و ادبیات**
احترام ورعایت خاص آن دوره بود . مانند روحانی برناگار جونه
موسس مذهب کبیر بودایی آسوه گهوشا (Asvaghosha)

نویسنده حماسیات و درامه های عالی و نویسندهٔ بزرگ علوم طبی چره که وپارسوا مشاور دینی وسدره سه مبلغی که کینشکا را بدیانت بودایی جذب کرد .

تعدد عقاید و اندیشه های مذهبی و فکری در عهد کوشانیان

مورد احترام بود طریقه های زرد شتی ، بودایی ، برهمنی یونانی مساو یانه از طرف دولت حمایت واحترام میشد، کنیشکا درمسکوکات خود تقریبا (تمام ارباب النوع مشهور قلمرو خود را نمایش میداد .چون کنیشکا به دین بودایی گرائید این دیانت در ساحهٔ وسیع تری پیش میرفت (۱).

در دوره کوشانیان دانشمندان، علمای دینی و مذهبی و روحانیون در بین جامعه مورد احترام بودند عقاید واندیشه های فکری و مذهبی شان رعایت می‌شد دولت آزادی کامل را در انجام وظایف دینی و مذهبی شان قایل بود . فرهنگ و ادب مخصوصا از ناحیه اندیشه مذهبی بودایی منکشف بود .

صنعت یونانو باختری که از آغاز قرن اول مسیحی رو به ضعف بود جای خود را به صنعت یونانو بودایی که شعبه صنعت گریکوباکتریان بود گذاشت .

این روش و مسلك جدید که ازآمیزش اندیشه های مذهبی بودایی و طرز تفکر صنعتی یونانی یوجودآمده بود باساس مهارت اهل صنعت افغانستان بسیار انکشاف کرد .و در قرن دوم و سوم میلادی دین بودایی در چین و آسیای مرکزی گسترش یافت .

معبد مکشوفه در کاپیسا و آثار مکشوفه از معابد سترك هده و شمر غار با مجسمه های بودایی ومعابد در افغانستان ، مربوط به قرنهای اولیه میلادی و متعلق به دوره کوشانیان است ، که

۱ـ افغانستان در مسیر تاریخ تالیف غبار ص ۵۱ .
البته قبل از کنیشکا دین کدفیزس ها شیوائیها بود .

نماینده گی از آزادی دین و مذهب و صنعت ، انکشاف و پیشرفت آن مینماید .
تمثال بودایی کبیر ۵۳ متر دروادی بامیان و سلسله جبال هندوکش و تمثال خورد آن ۳۵ متر که به قول راجع در اواخر قرن اول میلادی کار کندن کاری آن درعهد کنیشکا آغاز و در قرن دوم میلادی بسر رسید .
دست آورد مهمی از اندیشه های مذهبی و صنعت این دوره است .
در دوره کوشانیان به خصوص در عهد کنیشکا در سر زمین افغانستان قدرت مرکزی اداره به میان آمد ، تحولات فکری و اندیشه های مذهبی و علمی آزاد ، گسترش یافت . (۱)
دورهٔ عظمت کوشانیان از عهد کنیشکا در حدود ۱۲۵ م آغاز ودر حدود ۲۹۰ درباواسو شکه ختم میشود. که درحدود یك قرن وربعی را در بر میگیرد .
در دورهٔ کوشانیان مبادی فکری و فرهنگی قدیم ویدی ، اویستایی کشور ما با آثار مدنیت های هخامنشی ، هندی ، یونانی بودایی آمیزش یافته است . عناصراخلاقی ساکها ویستی اریاییان تورانی شمالی هم در آن دخیل گشت وفرهنگ بسیار قوی را به وجود آورد . که از نظر اندیشه ها افکارو عقاید مذهبی آزادی کامل در آن رعایت میشد .
آتشکده های مزد یتای آتش مقدس ستوپه های بودایی که در آن آثار مقدس بودایی حفظ و پرستش میشد . ارباب انواع هندی و یونانی

۱- کنیشکا ۲۳ سال زمامداردوره کوشانیان بود . و تخمین در حدود ۱۵۱ م در گذشت .
تاریخ مختصر افغانستان پوهاندحبیبی .

که در معابد و بر مسکوکات وجودداشت همه و همه از نشانه های آزادی فکری و بیان و اندیشه های مذهبی نماینده گی میکرد .

با وجود یکه کنیشکا و پسرانش از دین بودایی پیروی میکردند باز هم معابد ادیان و مذاهب دیگر با پیروان شان در سرتا سر کشور پهناور کوشانی وجود داشتند .(۱)

مظاهر آزادی عقیده و آزادی اندیشه های دینی و مذهبی درین عصر این هم است که در تکسیلاکه مرکز تهذیب و اخلاق و اندیشه های مذهبی بودایی بود دیوارهای بنای آتشکده یی موجود بوده که ۱۵۸ فت درازی و ۸۵ فت پهنایی داشته ستونها و سلیقه معماری آن یونانی بود. وواضح است که بعداز انتشار مدنیت یونان و باختری تعمیر شده است ، علاوه بر این آتشکده معابد بودایی و بتکدهٔ برهمني نیز در آنجا بوده که پیروان هر دین و مذهب با آزادی کامل مناسك دینی و اندیشه های مذهبی خود را پیش می بردند .

---

۱ -بگونه مثال ، در معبد مهارانه بغلان که در کتبه مکشوفه از آن، در عهد کانیشکا ساخته شده وبازدرحدود ۱۶۰م آنرا ترمیم کرده اند آثار آتش مقدس و معبد زرد شتی را یافته اند .

ترمیم کننده آن از خاندان ماریگ (Marig)و نامش نوکونزیکی بود .

در معبد مهادژ بغلان آثار آتش پرستی ودر کتیبهٔ خوات وردك علایم کیش بودایی موجود است .

این معبد در عهد کنیشکا تعمیر شده است که در بین هر دو معبد (۲۰) سال فاصله است .

ظهور اسلام

اسلام که در نیمه اول قرن هفتم میلادی به ظهور پیوست یکی از حوادث تاریخی بسیار عظیم و بزرگی است که در جهان وقوع یافته به خصوص اینکه این دین مجرای تاریخ را عوض کرده و عالمی به وجود آورده که با عالم ما قبل خود تفاوت و فرق کلی دارد.

باید یقین کرد که هیچ دینی این تاثیر را در سرنوشت تاریخ وجهان نداشته است و هیچ مرامی به این سرعت پیشرفت ننموده و عالمگیر نشده است، سرعت انتشار اسلام و امتداد فتوحات اسلامی در سه قارهٔ معروف انوقت یکی از شگفتی‌های تاریخ است که سزاوار است تا خاور شناسان و باختر شناسان در برابر آن توقف کنند و تامل نمایند.

اسلام که روزی در مکه بدون یاری و یاوری ظهور کرد و پیروان محدودش مورد شکنجه و عذاب اهل مکه قرار گرفته بودند و خود پیغمبر سالها تحت حمایت کاکایش ابو طالب بسر برد، طولی نکشید که انوار پر فروغش بر سراسر جزیره عرب پرتو افکند و از آنجا برشاهنشاهی پر عظمت و بزرگ ساسانی و امپراطوری بزرگ روم

سایه افگن شد و ربع قرنی طول نکشید که بساط فرما نروایی دولت اولی را بر چید و ارکان امپرا طوری دوم را چنان متزلزل ساخت که آنرا آماده سقوط کرد و در همین مدت کم بر قسمت عظیمی از متصرفات آسیایی و افریقایی آن دولت استیلا یافت .

هنوز بیست سال از رحلت صاحب دعوت اسلامی (پیغمبر اسلام) نگذشته بود که اسلام از غرب به آبهای اوقیانوس اطلس و از شرق بار تفاعات پامیر رسید و آن مسلما نان مستضعف که مورد شکنجه و آزار بودند فرمانده یک امپرا طوری عظیم و بی نظیر شدند ثروت ها ی خزاین جهان در تصرف آنها در آمد ، این پدیده شگفت انگیز که تاریخ و تاریخ نویس را به حیرت و تعجب آورده شا یسته آن است که مورد بر رسی دقیق قرار گیرد و در زمینه ریسرچ لازم به عمل آید و در علل و موجبات آن تحقیق و کنجکاوی شود .

تاریخ شاهد است که هیچ دولتی به این سرعت نتوانسته است چنین کشور بزرگی ایجاد و تشکیل نماید، و هیچ فاتحی قادر نیست در این مدت کوتاه به این همه فتوحات نایل شود ، البته بعضی فاتحین بوده‌اند که مدت کمی توانسته اند اراضی و کشور های وسیعی را در قلمرو خود شامل سازند ولی آنها نتوانسته‌اند دلها را تسخیر نمایند و شاهد فتح نهایی را در آغوش بگیرند، و از فتوحات خود بهره مند شوند ، طولی نکشید که به سر نوشت شومی گرفتار شده و، عظمت و بزرگی خود را از دست داده و کشور های اصلی خود را هم گرفتار مصایبی نموده‌اند . در صورتیکه اسلام در فتوحات خود موفق بوده و مدت هفت قرن امپرا طوری بزرگی را خلفای اسلامی اداره و طور مستقیم یاغیر مستقیم بر آن حکومت میکردند و بعداز آنکه این امپرا طوری محکوم به تجزیه شد به کشور های تقسیم گردید که لوای اسلام در آنها به اهتزاز بود و موسوم به کشورهای اسلامی شدند .

و به استثنای اندلس (اسپانیا) هنوز بنام کشور های اسلامی موسوم اند ، این فتوحات که ازسال هشتم هجری با فتح مکه شروع شده و تقریبا تا اواخر قرن دوم اسلامی ادامه داشته بیرق مقدس اسلام را بر قسمت بزرگ دو قارهٔ اسیا و افریقا و ناحیه شبه جزیره جنوب غربی اروپا بر افراشته و یك امپرا طوری دامنه دار بز رگی به وجود آورده است ولی باید گفت مهمترین فتوحات در همان قرن اول اسلامی و در نیمه قرن اول آن صورت گرفته است .

در آن روز که اسلام در مکه ظهور کرد و هیچ کس باور نمی کرد که روزی به عظمت چهل سال بعد خود برسد ، بزر گان قریش با چشم تمسخر به آن می نگریستند ولی خدا (ج) خواست که دین محمد (ص) جهانگیر شود و این خواست خیلی زود وبه طرز باور نکردنی انجام یافت .

سرعت شگفت آور اسلام و سرزمین های شگرفی که در مدت کمی بر آنها حکومت کرد قابل بسی دقت و ملاحظه است و علل بسیاردقیق و قابل توجهی دار که به ذکر آنها می پر دازیم :

اول عقیدهٔ راسخ مسلما نان به قصد دعوت : مسلما نان از صمیم قلب معتقد بودند که دین اسلام برحق است و آنچه رسول اکرم اظهار میدارد از طرف خداوند است وصدق محض میباشد که شك وشبههٔ در آن راه ندارد و این عقیده در مسلمانان با ثر معجزات و بر خی پیشگویی های قرآن به وجود آمد .

دوم ـ عشق و علاقه مسلما نان به نشر اسلام و هدایت مردم به راه راست بود : مسلما نان خود را مامور میدانستند دین خدا (ج) را ترویج دهند و پیغمبر را مبعوث برای عموم مردم میدانستند .

(و ماارسلنا کالا کافة للناس)چون رسول اکرم (ص) جز راستی

ودرستی رابیان‌نمی‌فرمود وگفتارش‌حق و صدیق بود مسلما نان‌معتقد بودند که باید دین اسلام عالمگیرشود .

نشر اسلام در داخل و خارج جزیره عرب صورت گرفته و به این پیروز یها نایل آمد شگفت آورتر آنکه این پیشر فتها در نشر اسلام شامل تمام خاورنزدیك ،خاور میانه‌و بخشی از کشور چین بود ودر مدت بسیار کوتا هی که از ربع قرن تجاوز نکرده است صورت گرفت ، و از خاور به باختر تاپامیرسرایت کردکه سرا سر شبه‌جزیره (ایبری) رانا (پورینه) که‌درشمال‌سلسله جبال (پیر یشمه) است فرا گرفت .

یکی از مهمترین علل نشر اسلام‌همانا صدق دعوت بود که خداوند بر زبان پیغمبر خود به مسلمین‌که‌دربدو بعثت خواری وتکلیف‌کشیده بودند وعدهٔ صریح داده بود که درمابعد اسلام در جهان انتشار می یابد، مسلما نان معتقد بودند که خداوند (ج) آنها را یاری میکند و فتح پیروزی از جانب خدا است. بنا برین همهٔ مسلما نان چه زن و چه مرد چه جوان و چه پیر در نشراسلام سهم می گرفتند که بالاخره اسلام در مدت کم از اوقیا نوس اطلس تاپامیر رسید .


PROPERTY OF ACKU 6667

نشر عقیدهٔ اسلام درافغانستان

مردم افغانستان عقاید، مبادی واندیشه های فکری ، دینی ، مذهبی اخلاقی ، هنری و فلسفی خود رافراموش نمیکردند .

دایم در بارهٔ نشیب و فرازیکه به آنها می آمد فکر میکردند راه نجات و اعتلای خود را با متانت ،حوصله ، صبر و درایت کامل جستجو میکردند . از عدل ، حق خـیر، برادری ، مساوات ، صلح ،عدالت اجتماعی و امثال آن که با طرزتفکرشان آمیخته شده بود با استقلال فکری ، پشتیبانی میکردند . کـه بالاخره در نیمه اول قرن هفتم میلادی نور اسلام در جزیره عرب درخشید . درین وقت افغانستان در تحت نفوذ زمامداران محلی وادیان شرقی و غربی قرار داشت . سمت غربی که عبارت از سیستان،هرات و توابع آن بود تحت نفوذ سیاسی ، فرهنگی دینی و مذهبی دورهٔ ساسانیان بود که دیانت زردشتی و زبان پهلوی داشتند .

در ساحه های مرکزی وزابلستان و وادی دریای کابل بنام گندهارا و وادی ارغنداب تا سلسله جبال هندوکش و شمال آن و کرانه های سند ، زمامداران محلی از بقایای کوشانیان و یفتلیان بودند کـه از دیانت های بودایی و برهمنی پیروی میکردند که کلتور ، فرهنگ ، دین واندیشه های مذهبی شان شکل محلی داشت و واضح بود که آزادی

عقیده و اندیشه های فکری ومذهبی‌موجود بود . مردم ، دارای معابد و مذاهب متعدد بودند .

وقتیکه دین اسلام در زمـــان‌خـلافت حضرت عثمان (رض) بــه خراسان افغا نستان رسید مـــردم‌افغا نستان با مسرت و شادمانی این عقیده را باستثنای زمامـداران‌آنوقت پذیر فتند زیرا در آنو قت مجادلهٔ فکری ، فلسفی و مذهبـــی‌شدید میان دین زردشتی و دیـــن یودایی بود ، دین اسـلام در ایمان‌بخدا ، روز آخرت ، جزا حساب و میزان با اندیشه زردشتی دین‌افغان‌ها موافق بود . روی این منظـــور مردم افغا نستان به دین اسـلام‌بامحبت رو آوردند و دین اسـلام را پذیرفتند و به تنظیم ، تدویـــن وتالیف علوم اسـلامی ، علوم قران، زبان و ادبیات ، نحو و صرف عربی‌و سایر علوم آغاز کردند . در ادب وادبیات نحوو صرف سیبو یـه ،زمخشری ، سکاکی نبوغ پیداکردند و به تدوین آغاز نمودند درفقـــه‌اسـلا می حقوق اسـلام وحدیـث امام ابو حنیفه ، ابن حنبل ، بخاری‌قتیبه و ترمذی‌شهرت حاصل‌کردند

در علوم‌قرآن‌و تفسیر مانندرازی‌و سجا وندی بمیان آمدنـــد .در فلسفه و منطق و علوم طبیعی ،ابن‌سینا ، فارابی ، بیرونی ،جابر بن حیان و میرزاهد هروی و در علم‌اخـلاق ، غزالی و در فن عسکری ابو مسلم خراسا نی و در تصـوف‌جـلال الدین بلخی ، جامی ، سنایی و امثال شان قد علم کردند. افغان‌ها توانستند ثقافت ، کلتور وفرـ هنگ اسـلامی را در تمام حصص‌افغا نستان ، کشور های همجوارو منطقه ، نشرو گسترش دهند .ودرنشر و گستر ش دین وثقافت اسلام پیش قدم شوند .

سلطان محمود غزنوی توانست‌در هند ثقافت کلتور ، دین ، ادب فلسفه و تصوف اسـلامـــی راگسترش دهد .

در زمان دولت صفاری و پیش‌ازآن مردم افغا نستان با طاهربادغیسی درین راه قربانیهای زیادی دادندودر تنظیم خـلافت بغداد سهم بارز و شایستهٔ را گرفتند .

نتیجه و خلاصهٔ بحث

از خلال اندیشه ها ، افکار ونظرات مذهبی و تمدن دورهٔ کوشا-
نیان بر میاید که دورهٔ کوشا نیها دورهٔ خاص تمدن و فرهنگ افغا -
نستان است که) ازنظر هنر معماری، هیکل تراشی ، مجسمه سازی،
زبان ، ادبیات ، علوم و معارف اندیشه های مزدوج مذهبی خصوصیت
خالص افغانی دارد. چنانکه میسیوف فوشهٔ فرا نسوی نوشته است که،
صنعت کوشانی را از ابتکا رات این دوره می تو ان یافت ، زیرا نوعیت
ستوپه های این دوره بسهو لت اززمان ابنیه آشوکا متمایز است و
ستوپه های آشو کا به بالای قلات ایران نیامده ولی ستوپه ها ی
کنیشکا و جانشینان وی به اسانی به جلگهٔ هند راه یافته است . حتی
در حومهٔ جنوب شرقی پایتخت جدید پورو شا پوره (پشاور) امپرا طور
کوشان ، بزر گترین بتخانه را بنا نموده است (۱) .دکتور هر من
المانی استاد تحقیقات در باره هندراجع به هنرو مدنیت دوره کوشانی
نوشته است :

۱ـ تاریخ مختصر افغا نستان تالیف پوهاند حبیبی .

هنر یونانی به تغییر فرم هنـــرهای هندی نموده و به صورت ارت مدرسه گند هارا دو آمد.

ولی این هنر را باید کمتـــــرتوسعه شیوهٔ یونانی و بودایی توان گفت : بلکه توسعهٔ شیوهٔ شـــرق ایران (آریانا) است که بمو ازات آن در تحت حکمفرا مایی قبایل ساکه‌های جنوب شرق و کو شانیـــان بسط یافته است . حتی تا قرن سه‌وچهارم میـلادی طوریکه در معابـــد هروان کشمیر دیده میشود یـــك هنر کامـلا خالص مانده است.(۱)

عقاید افکار و اندیشه های مذهبی اولی افغا نستان بدو شکل جلـوه کرد .

۱ـ به شکل خیر و شر ، طوریکه در عقیدهٔ زردشتی در اویستا ملا حظه میشود پیروان عقیده به جهان واپسین معتقد بودند .

۲ـ به شکل دورانی که پیروان این عقیده و اندیشه مذهبی تقریبا مانند فیثا غورس ها میباشند ولی بفرق اینکه .. فیثا غورس قوام عالم را بر اساس ریاضی میدا نســـت سعی میکرد جهان عقاید افکـــار و نظرات دینی ، مذهبی و اخـلا قی را بر اساس افکار طبیعی استـــوار سازند .

پیروان این عقیده به حیات دیگر عقیده نداشتند ، مجا زات و مکافات هر دوره را خواه ارتقایی می بودویا قهقرایی نتیجه طبیعی ومیکا نکی دورهٔ سابق می شنا ختند .(۲)

مطا لعات دقیق و همه جانبـــه نشان میدهد که در دورهٔ کوشانیان آزادی عقیده و اندیشه های مذهبی با کمال دقت رعایت میشد ، علاوه از اندیشه مذهبی مردم افغا نستان که زردشتی بود ، با ورود افکار، عقاید و اندیشه های مذهبی یونانی، بودایی ، بر همنی ، ثقافت، کلتور،

۱ـ مرجع مذکور

۲ـ مقدمهٔ علم اخـلاق تالیف وترجمهٔ صـلا ح الدین سلجو قی سال ۱۳۳۰ طبع کابل

دین و آئین شان صبغهٔ محلی را به‌خود گرفته بود . و چنین واضح می شود که از اوایل قرون میلادی آزادی عقیده و اندیشه های مذهبی حکمفرما بود ، معابد متعدد بهر طرف موجود و عمار شده بود . در پنج قرن اول میلادی صنعت ،تمدن،اندیشه های مذهبی گریکو بودیک ادیان و تمدن مخلوط در محل‌تقاطع‌خود ، سر زمین تکسیلا ومجاری هلمند و شمال تا بلخ و تخارستان‌موجود بود و مردم افغا نستان در پدید آوردن این مدنیت به خصوص‌در دوره‌کو شانیان‌دستی داشته‌اند.

تا قرن هفتم و ظهور دین اسلام‌دیانت های زردشتی ، بودایی مهر پرستی سطوری‌مسیحی ،و پرستش‌برخی از ارباب النواع و معبودا ن محلی درین سر زمین رواج داشت.که این افکار و نظرات را یونانیها از این سر زمین بحیث مواد خام‌کسب کردند و به کشور خود و سایر کشور ها صادر نمودند. ولی‌در آنوقت این صنعت را نمی دانستند ، که به آن افکار، ونظرات‌وجهی بدهند ویا برآن، حجتی اقامه کنند . آنها حقایق را بحدس میدانستند ، ولی فکری را بر آن ها مرتب کرده نمیتوا نستند و بصورت علمی نمی اند یشید ند مگر یونان دستگاه میکا نیزم فکر واستد لال بود که مردم آن مواد خود را بیشتر از آنچه استحصال‌میکردند از این سر زمین ها وارد مینمودند .

اگر بدقت مطالعه نمائیم هیرا کلیتوس (۱) پیرو عقیده اولو

۱ــ هیرا کلیتو س ، فیلسوف‌یویانی در قرن ٦م مقیم افیسو س مشهور به فیلسوف گریان بمنا سبت عقاید و نظرات حزن آوری‌که نسبت به زندگی داشت ، وی یکی‌از فلا سفه ماورا طبیعت و میتا فیز یسین های اولیه است وی می‌گوید : آفتاب از انجام وظایف خود ماکوتاهی‌نخواهدکرد .واگر کوتاهی‌کندو شیزه گان عدالت اورا از صحنه بیرون خواهند کرد.

دمقراطیس (۱) پیرومکتب دوم‌است .(۲)

در دورهٔ کوشا نیان به خصوص‌در دوره زمامداری کنیشکای بزرگ از یکطرف بعلوم ، فنون صنعت،فرهنگ و هنر سعی و تلاش میشد، و از جانب دیگر اندیشه های‌مذهبی‌بوجه درست رعایت‌میگردید ،آزادی افکار ، عقاید ونظرات مذهبی مورداحترام دولت بود که این عمل‌موجب مجادلات فکری در بارهٔ طبیعـت وماورای طبیعت میشد .

آنوقت لازم بود که‌هر زمامداراندیشه های دینی‌و مذهبی رارعایت کند و خود وی صاحب عقیده‌وافکارمذهبی میبود در غیر آن افکار عامه بر علیه آن قرار میگرفت مـــردم‌از تصامیم ، احکام، قضـــاوت و سیاست های اقتصادی ، اجتما عی،فرهنگی و طرز تفکر سیاسی وی‌در امور دولت پیروی و پشتیبانی نمی‌کردند .

که این افکار و نظرات شر قی‌به‌صورت مواد خام به یونان و اروپا نیز منتقل شد و تحولات فکـــری‌علمی ، و فلسفی را به میان آورد. تعدادی از دانمشندان از آنوقـت‌تقلید محض چون پرو تاگوراس ، هیرا کلیتوس ، فیثا غورس ،دمقر اطیس ، سقراط ، افلاطون ،ارسطو و امثالهم دست کشیده به تفکـرعلمي مجادلات فکری با آنکه محدو- دیـت های شدید موجود بـــودپرداختند . بر حالت رهبا نیـت و

۱ـدمقراطیس از لحاظ تبحر درعلوم در قرن ٥ میـلادی دارای‌همان مقامی بود که ارسطو در قرن چهارم‌میـلادی داشت و شیرین زبانیش را نظیر افـلا طون گفته اند و بـرخـلاف هیرا کلیتو س ، طبعـــا خوشبین و شاد بود و حکیم خندان‌نامیده میشد .

۲ـ مقد مه علم اخلاق تـالیف‌صلاح الدین سلجو قی سال ۱۳۳۱ طبع مطبعهٔ عمومی کابل .

ـتاریخ فلسفه سیاسی .

سیر حکمت درا روپا تالیف محمدعلی فروغی .

و تقلید محض انتقاد میکردند . به‌مطا لعات وتفکر علمی‌می گراییدند. برخی به تناسخ قا یل میشد ند ودیگری به ماورای طبیعت مـــی اندیشید ند . واز آزادی فکر وبیان‌حمایت میکردند .مردم‌را بخوا ندن و دانستن کتب‌ونظرات دانشمندانی‌که در کتب علوم طبیعی غـیر از الیهات آثاری داشتند ، محرما نـه‌تشویق میکردند . مردم را مـی فهماندند که بدون مراجعه به کاهن‌رهبان و کشیش به عبادت بپردازند واز پرستش خدایان متعدد کـــه‌ساخته دست شان است منصـرف شوند که بالاثر با این طرز تفکـرمسایل حقوقی سیاسی ، اجتما عی و اقتصادی مردم مطرح بحث قرارمی گرفت کـــه با آزادی ضمیر ، وجدان افکار و اندیشه ، علـما ودانشمندان توانستند در مابعد به اکتشا فات علمی موفق گردند .گرچه دین در ذات خود باعث تکلیف مردم نمی شد ، مگر تعداد ی ازمردم‌بنام دین و اندیشه های مذهبـی مردم را تحت فشار قرار داده، ازتفکر آزادی و آزادی فکر و بیان‌باز می داشتند . (۱)

فلسفه افـلا طون و ارسطو رادرآنوقت اکثرا از این لحاظ موردمطا-لعه قرار نمی دادند که از استفاده‌کردن از این سیاره زیبای خاکی ما بحث میکرد ، و مردم را تشو یق‌میکرد ند تـــا جـــهت سعادت، رفاه ، آرامی دنیوی از این جهان‌که‌باطل خلق نشده است استفـــاده درست و اعظمی نمایند، برای افکارو نظرات خود روشنی و برای‌شهر ها، قری و قصبات خود نظافت وپاکی . برای مردم خود صحـت و تندر ستی و از حکومات عـــدل و نصاف را تقاضا نمایند . مگر مطا-لعات آنها باین منظور میبود کـــه‌چگونه بعد از مرگ زنده میشوندو در جهان اخرت چگونه معیشت می‌دارند . به عبارت دیگر فرهنـــگ

۱- حریة الفکر وابطا لها فـی‌التاریخ ، تالیف سلامه مـو سی. طبع دارا لعلم للملاین بیروت .

و معارف تماما در خدمت دیـــن وجهان اخرت بود و پاین جهـان و عمران آن توجه مبذول نمیشد .«۱»

مطالعات راجع به عظمـــت دورهٔ کوشا نیان ، هوتکی ها ابدالیها غزنویان و سایر دوره های تاریخی افغـا نستان مفید است .

مگر در ین زمان افغانستــان دوتحول قرار دارد تحوله از مامطالعات عمیق در بهبود انکشاف اقتصادی اجتماعی و علوم میخواهد ، تـا در حال و آینه «با تحقیقات علمــــی مستند ، ژرف، مفید و ضروری ، بتوانیم برای رفاه ، سعادت «آرامی پیشرفت ، ارتقا و سیر تکامــل جامعهٔ خود و جهان کار نماییم وبا طرداشت عظمت گذشتهٔ دانشمندان خود، فرهنگ ، علوم ، صنعــت واندیشه های فکری و مذهبی خودرا بیشتر نسبت به گذشته با تحقیقات علمی درست مطابق به مقتضیـات عصر وزمان به نفع جامعه و بهبـودزندگی که برای نور عدالت اجتماعی، مسا وات «شرف و کرامت بدرخشد بکار اندازیم .

از حال به آینده روشن، بـــــاسعادت ، عزت و کرامـــت تـلاش نماییم آثار و تحقیقات علمی خود رادر خدمت مردم ، جامعه و جهان ، مانند «نیا کان خود ، چون امام ابو حنیفه ، ابن حنبل ، بخاری ترمزی، رازی ، میرزاهد هروی بوعلی سینا، فارابی ، بیرونی ، جا بر بن حیان، غزالی ، جـلال الدین بلخی رومی «جامی ، سنائی ، پیررو شان «سیدـ جمال الدین افغان و امثالهم .

بگذاریم ، جوانان و نسل آینده را به مطا لعات علوم مفید ، بـــه منظور کشف حقایق علمی درخدمت جامعه و عموم بشریت جلب نماییم

هر جامعه و هر ملت مشخصات و ویژگیهای دارد که ، مخصو ص به آن جامعه و مردم میباشد

۱ـ ماهی النهضة سـلامه موسی منشورات کتابخانه بیروت .

ما افغان ها از گذشته و بـــــه‌خصوص دوره های با عظمـــت و ایامیکه افغا نستان بنام های آریاناو خراسان نامیده میشد و همچنان دوره کو شانیان و دوره های دیگریا نشیب و فراز آن احساس ســر فرازی میکنیم ، زیرا آرمانها وهدف‌های مشتر کی داریم . اگر چه در وقت حاضر با یک سلسله حوادث‌مواجه شدیم مگر امید است به‌ندای صلح و آشتی مشکلات رفع گردد،و هم ناراحتی های که ناشـــی از مشکــلات اقتصادی داریم ختم‌شودو با آرمان ها و اهداف مشترک به حیث برادر ا ن به صلح بگر ئیم،ازنفاق به وحدت و اتحاد متمســـک شویم و برای اعمار جامعهٔ خود باوحدت نظر و عمل کار کنیم .بـــر آورده شدن بعضی از آرزو هـــا وآرمان های ما اگر چه بسیاردشوار است ولی تــلاش در رفع آن خاصهٔافغان هااست .

این آرما نهاو آرزو ها شامل‌این‌معتقدات هستند که تمام افغا نـهـا باید در مقابل قانون دارای حقوق‌ووجایب مساوی باشند ، کشور مـــا بین سایر کشور ها سر مشقی ازنجابت، شرافت ، شهامت ،جرات، عدالت ، وحدت واتفاق بر ا در ی،همکاری ، حس ترحم، مردمداری ، صلحخواهی ، فدا کاری و از خود گذری در مقابل حقوق و آزادیهای اساسی یکدیگر باشند .

ما این رادایم به خاطر داریم‌آنچه‌که مردم ما در دوران قبل وبعداز میلاد مسیح (ع) و بعد از نـزول‌قرآن مجید بر پیامبر اســـلام و انتشار اســلام در افغا نستان وازاینجا یعنی قلب آسیا افغا نستان در منطقه انتشار یافت ، عظمت ،بزرگی ذاتی وفطری خود را حفـــظ کرده بودند ، بهمان نیرو بـــرای‌پیشرفت و ارتقای‌خود بیش ازپیش بسیج خواهند شد، نفاق و کدورت‌ها از بین خواهند برد . نیـــروی

اقتصادی خودرا تقویت خواهندبخشیدزیرا منابع‌طبیعی ومنابع انسانی‌ما به طور قطع ویقین از آنچه درقبل بودکمتر نیست ، کلتور ، فرهنگ ، هنر و صنعت ما باید بیش از پیش‌تقویت یابد و ما نباید تنها به‌مفاخر گذشته اکتفا کنیم .

طرز نشان دادن‌این نیرو، شجا عت ، شهامت و مهارت مسوو لیت مشترك تمام ما افغانها است ، بـه‌خصوص در این موقع که ما در راه تحقق آرمان های دیرینه خود وتحقق‌مشی مصالحه ملی میباشیم .

زما مداران اولیه به شمول دوره‌گذاشته ، در حقیقت صغری‌و کبری آمده یعنی نتیجه اش آن میباشد که‌کوشانیان ، اصول اولیه‌ای را کـه مردم ما بامتکی بودن به خـــودبـــا آ ز ا د ی کـــا مـــل درراه پیشرفت ، ارتقاء عظمت و بزرگی‌خود به اندیشند وکار کنند.تاریخ با عظمت نیا کان خود را با دقت‌مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهند.

وقتی با خود فکر میکنم و مـــی اندیشم به صورت قاطع نمیدانـــم ونمی فهمم که انگیزه دوره هـــا ی با عظمت افغا نستان به شمول‌دوره کوشا نیان چه بوده است ؟ آیاآنها ذکی تر و با هوشتر از ما بودند، و یا تحصیـــلات شان بیش از مـــا بوده است ؟ آیا جرات شهامت و فدا کاری آنها بیشتر از ما بـــوده‌است ؟آیا وطن را بیش از مادوست می داشتند ؟ آیا حس بشر دوستی‌صلح خواهی ، احسا س برادری‌و برابری شان بیش از ما بوده است، آیا معتقدات ، اندیشه های فکـــری و مذهبی آنها از ما عمیق تـــر و استوار تر بوده است ؟ آیا علاقه آن ها به آینده فرزندان ، اطفال و نو جوانان این سر زمین بیش از مـــا بوده است ؟

فکر نمی کنم چنین باشد .امروز ما افغا نها ، بدون استثنا ،همگی، قدرت و توانایی آنرا داریم که معایب و نقاط ضعف خود را در صور تیکه مدا خلات دشمنان ما جهت برهم زدن وحدت ما نباشند ، اصلاح کنیم و بر مشکلات غور نماییم و به منزل مقصود رسیم . ما میتوانیم به آینده با اعتماد کامل و ایمان راسخ موجه و مستدل بنگریم . ما افغانها اشتیاق کامل داریم کـه کشور خود را بیش از گذشتگان خود در ساحه علوم و معارف و اقتصاد به صورتی در آوریم .

آنچه را که از دست داده ایم،دو باره به آن برسیم و از آن هم سبقت جوئیم البته نیل بر این اهداف مستلزم وحدت ، هم آهنگی ، صلح، آرامی ، کار و پیکار خستگی ناپذیر و اتکا به خود است .نه متقاعدشدن به افتخار ات گذشته ،که امید است این روش را در ریسرچ ها تحقیقات علمی خود به منظور یك افغانستان پیشر فته ، مترقی و شگو فان در حال و آینده مدنظر بگیرد و مساعی خلل ناپذیر علمی خودرا درین راه بخرچ دهد .

طرق و تکتیك های پیشر فته رادر ساحه های ریسرچ و تحقیقا ت علمی بکار بندد که به انکشاف علوم معارف اقتصاد ، و بهبود وضـع اجتماعی کشور ،مطابق به مقتضیات عصر و زمان کمك موثرو مفیـد نماید .

عبدا لغفور (باهر)

کاندید اکا دمیسین

ماخذ ومراجع

ـ تاریخ مختصر افغانستان ، جلد اول ، تالیف پوهاند عبدالحی حبیبی سال ۱۳۴۶ طبع کتاب چاپلو لـــو موسسه .

ـ مقدمهٔ علم اخلاق ، تالیـــف صـلاح الدین سلجوقی سال ۱۳۳۱ طبع مطبعه عمومی کابل .

ـ افغانستان در مسیر تاریخ، تالیف میر غلام محمد غبار طبع مطبعهٔ دولتی کابل ـ سال ۱۳۴۶ .

ـ اصول تاریخ القانون ، تالیف دکتور عمر ممدوح مصطفی مطابـــع البصیر الاسکندریه سال ۱۹۵۴ . (عربی)

ـ ماهی النهضه ، تالیف سلامه موسی نشرات کتابخانه معـارف

ـ ماهی النهضه ، تالیف سلامه بیروت ۱۹۶۲ (بزبان عربی).

ـ ثقافة الهند ، از انتشارات روابط مجلس فرهنگی هند، دهلی جدید ۱۹۹۲ .

ـ هند در تحت سلطهٔ کوشانیان، تاریخ سیاسی کوشانیان ـ مولف: ب،ن،پوری ـ مترجم ، پوهنوال ضمیر صافی عقرب ۱۳۵۷ مطبعـــه دولتی کابل

- بودیست مدیتیشن (Buddhist Medidation) تالیف ادوارد کونز از انتشارات هریر رو طبع ایـو نستون نیویارک ۱۹۶۹ (بزبـــان انگلیسی) .

- افغا نستان بعد از اســلام جلد اول ، تالیف پوهاندعبدا لحی حبیبی، طبع مطبعهٔ معارف سال ۱۳۴۵ .

- هنر دورهٔ کشانی ، تالیف ، جانم، روزنفیلد - ترجمه ، پوهنوال سرور همایون طبع مطبعهٔ دولتـــی کابل - ۱۳۵۸

- حریة الفکر و ابطالها فـی التاریخ - تالیف سـلا مه موسی ، طبع بیروت ۱۹۶۱ .

- فی الفلسفة الاســلا میة وصلاتها با لفلسفة الیونانیة - تالیف دکتور محمد السید نعیم و دوکتور عوض الله جاد حجازی طبع مـــحمدیه - قاهره .

- اصول اساسی روا نشنا سی انسان و ماهیت و تکامل آن تالیف حسین کاظم زاده ایرا نشهر چا پ سپهر ناصر خسرو تهران .

- سیر حکمت در اروپا، جلد اول تالیف محمد علی فروغی ، تهـران سال ۱۳۱۷ .



کتب نشر کرده مرکز تحقیقات علوم اسلامی :

- زنده‌گی پیامبر (ص)در خانواده اش
- تاریخ خرقه شریفه درقندهار
- مبادی علوم قانونی
- صلح واسلام
- فشرده از شرح حال و آثار امام فخرالدین رازی
- یا قوت السیر
- کیمیای سعادت
- حبیبی و یوسف زلیخای او
- تحفة المود
- اندیشه های مذهبی دورهٔ کو شانی تا ظهرر اسلام

کتبیکه در آیندهٔ نزدیك فراچشم خواننده گان قرار خواهد گرفت :

- تنویر الابضار
- محمد در شیرخورده‌گی وخورد سالی
- د موسسهی مولوی فیض‌محمد آخند زاده او د ده کورنی